



نقش بزه دیده در ارتکاب جرم سرقت و تعیین کیفر آن

فرهاد شاهیده*

چکیده

بعضی افراد از نظر بزه دیده شناسی، جذابیت و کشش ویژه ای برای بزهکاران ایجاد می کنند که در جرم شناسی از آنها به عنوان «بزه دیدگان بالقوه» یاد می شود. بنابراین، بزه دیده نیز ممکن است به دلیل آمادگی و استعداد خاص بزه دیده شدن، یکی از عوامل اصلی وقوع جرم باشد. ضرورت توجه به نقش بزه دیده، وی را به عنوان ضلع چهارم در کنار عوامل سه گانه «بزه، بزهکار و واکنش کیفری» در حقوق کیفری اسلامی وارد کرده است. برخی افراد به دلیل برخی ویژگی هایی که دارند و یا تقصیری که در نگهداری از اموال خود دارند و آن را در مکان مناسبی نگهداری نمی کنند از دیدگاه بزه دیده شناسی کمتر شایسته حمایت هستند. این موضوع در ارتکاب جرم سرقت نیز می تواند در قالب تخفیف مجازات مرتکب و یا تبدیل عنوان سرقت از حدی به تعزیری مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد.

واژگان کلیدی:

بزه دیده شناسی، تقصیر بزه دیده، اموال، سرقت.



مقدمه

تقسیم بندی معمول فقها از جرایم شرعی در کتب فقهی بر اساس نوع مجازات است. منظور از مجازات های شرعی آن دسته از مجازات ها است که فقها در فقه جزایی صریحاً از آنها به عنوان «العقوبات الشرعیه» نام برده اند.^۱ در این تقسیم بندی، جرایم شرعی به چهار دسته جرایم مستوجب حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم بندی می شوند. در متون فقهی معمولاً زبان دیده از جرم تحت عنوان مجنی علیه، یعنی کسی که جرم علیه او رخ داده است، تعبیر میشود. هر چند زبان دیده از هر جرم با اصطلاح مربوط به آن جرم بیان میگردد. با بررسی و مطالعه احکام اسلام، احادیث و منابع حقوق اسلامی ملاحظه می شود که اصول جرم شناسی تا حدودی در میان قوانین و احکام مربوط موجود است. با وجود این که توجه به بزه دیده با مطالعات و تحقیقات جرم شناسان غربی در سده اخیر شکل گرفته، اما مباحث مربوطه به بزه دیده همواره مورد توجه قانونگذار اسلامی نیز بوده است.

به لحاظ تاریخی، نخستین بار توجه به نقش بزه دیده جرم سرقت در شروع فرآیند ارتکاب آن، در سال ۱۹۲۶ توسط شخصی به نام آلن^۲ مورد توجه قرار گرفت. وی که رئیس صندوق امانات بود هنگام سخنرانی در یک جلسه رسمی در نیویورک اذعان داشت که برای برخی از بزه دیدگان باید مجازات تعیین نمود، زیرا بسیاری از جرایم علیه اموال، ناشی از تقصیر و کوتاهی خود بزه دیده است. با این حال، وی در آن وقت بحثی از علم بزه دیده شناسی به میان نیاورد و به آن توجه نداشت.^۳

برای وقوع عمل مجرمانه معمولاً یک سلسله شرایط را خود بزه دیده ایجاد می کند و در اختیار بزهکار قرار می دهد. این موضوع مورد توجه بزه دیده شناسی نخستین^۴ قرار گرفته است که در آن به تجزیه و تحلیل نقش بزه دیده در ارتکاب جرم پرداخته می شود. از این رو، فون هنتینگ^۵ با توجه مکرر به دو مفهوم یاری رساندن بزه دیده به شکل گیری و ساختن طرفینی جرم، بر ماهیت مبتنی بر کنش متقابل بسیاری از جرایم

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: رهامی، محسن، عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: چاپ چهارم، پاییز ۱۳۹۰، صص. ۲۴ - ۳۰.

۲. Allen. 2. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی: بزه دیده شناسی علت شناختی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص. ۲۴۷.

۳. کمتر از نیم سده پس از تولد جرم شناسی، عده ای از جرم شناسان که در مقام حل معمای بزهکاری و علت شناسی جرم بودند، مطالعات خود را بر کنشگر دیگر جرم، یعنی بزه دیده که در فرآیند عدالت کیفری فراموش شده بود، متمرکز کردند تا سهم، نقش و شخصیت وی را در تکوین جرم مشخص سازند. نتیجه این تحولات عمیق، تولد رشته ای جدید با نام «بزه دیده شناسی نخستین (علمی)» رشته ای است که با انتقاد از ماهیت سنتی و بزهکار محور جرم شناسی، پدید آمد. شاهیده، فرهاد، رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران، مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص. ۱۲۸.

5. Von Henting.



تأکید می کند و بر این واقعیت پای می فشرود که نقش بزه دیده را می توان نقش تعیین کننده ای به حساب آورد.^۶ فون هنتینگ منش و شخصیت بزه دیده، رابطه او با مرتکب و نیز اوضاع و احوال و شرایط موجود در آستانه ارتکاب جرم که بزه دیده یا موضوع یا آماج جرم در آن قرار داشته و ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در فرآیند فعلیت بخشیدن به این اندیشه تأثیر داشته باشد را بررسی کرد. به اعتقاد وی اگر چه قاضی در پرتو قوانین و مقررات کیفری ماهوی و شکلی در نهایت موفق به تفکیک قانونی بزهکاری از بزه دیدگی می شود، ولی چنانچه چگونگی تکوین وضعیتی را که منجر به ارتکاب جرم شده است بررسی کنیم، در بسیاری موارد با بزه دیده ای روبرو خواهیم شد که به طور ضمنی در ارتکاب عمل مجرمانه رضایت داشته، همکاری کرده، توطئه نموده یا مرتکب را تحریک کرده است. بدین ترتیب، بزه دیده یکی از عوامل علی جرم است.^۷ او سعی کرد بزه دیده را در آستانه ارتکاب جرم یا قبل از آن بررسی کند تا مشخص شود که چگونه جرم در یک فضای کنش متقابل به وقوع می پیوندد و تعامل میان بزه دیده و بزهکار، تا چه میزان در وقوع عمل مجرمانه نقش داشته است.

در خصوص دیدگاه های موجود در جرم شناسی دو دیدگاه در ارتباط با نقش بزه دیده در وقوع سرقت در ادبیات جرم شناسی مطرح است. دیدگاه نخست بر نقش بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم، به ویژه در وضعیت های خاص تأکید دارد.^۸ دیدگاه دیگر به مسئولیت قربانی جرم در «پیدایش جرم» می پردازد. استفان اسکافر معتقد است که برخی از بزه دیدگان می توانند محرک و مشوق مجرمان باشند.^۹ از این رو، برخی می توانند با بی ملاحظگی و شتابزدگی، وسوسه انگیزی، ترغیب، مساعدت یا فراهم نمودن تسهیلات، زمینه ای برای ارتکاب بزه علیه خویش را فراهم کنند.

در این جستار جرم سرقت از دیدگاه بزه دیده شناسی نخستین بررسی خواهد شد تا مشخص شود فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایران تا چه میزان به دستاوردهای بزه دیده شناختی در قالب نقش بزه دیده در ارتکاب جرم و تأثیر آن بر میزان مسئولیت کیفری بزهکار، آگاهانه یا نا آگاهانه توجه نموده است.

۶. سلیمی، علی و داوری، محمد، جامعه شناسی کجروی، انتشارات پژوهشکده و دانشگاه، قم: چاپ اول، بهار ۱۳۸۵، ص. ۲۵۰.

۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (میزگرد عدالت برای بزه دیدگان)، مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و دوم و پنجاه و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص. ۱۱.

۸. گودرزی، محمد رضا، بزه دیده شناسی، پیدایش، تحول دیدگاه های نوین، نشریه امنیت، شماره هفدهم و هجدهم، آذر و دی ۱۳۷۹، ص. ۳۰.

۹. رمضان نرگسی، رضا، تجاوز و بزه دیدگی زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۸۳، ص. ۸۸.



۱- رویکرد بزه دیده شناختی به جرم سرقت

نقش بزه دیده در تحقق یا عدم تحقق جرم سرقت حدی به دلیل اهمیت موضوع حرز، به صورت ملموس تری قابل ملاحظه است. هرچند، در سرقت مستوجب تعزیر نیز بزه دیده با کوتاهی در نگهداری مناسب از اموال زمینه ساز ارتکاب جرم سرقت می شود. در این راستا، ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سرقت را این گونه تعریف کرده است: «سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر است.» در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سرقت حدی، با وجود ۱۴ شرط محقق می گردد. در این میان، بر اساس بند ب مال مسروق باید در حرز باشد.

در خصوص استقرار مال مسروقه در حرز باید در نظر داشت که چه مال را خود بزه دیده در حرز قرار داده باشد و چه شخص دیگر؛ با ربودن مال از حرز، سرقت مستوجب حد واقع شده است. پس حتی اگر مالی به هر نحو بدون اطلاع مالک و بزه دیده در حرز قرار بگیرد، مثلاً کسی مال دیگری را برآید و در جایی پنهان کند تا بعد از آن استفاده نماید و سارق دیگری مال مذکور را که در حرز قرار گرفته سرقت کند، در این حالت هم سرقت از حرز واقع شده است و مستوجب حد است. بدین ترتیب، در حال حاضر اگر شخصی غیر از بزه دیده (صاحب مال) مال را در حرز قرار داده باشد و شخصی آن را سرقت کند، عمل او مشمول سرقت حدی می شود. از این رو، قانونگذار با تغییر مذکور، حمایت بیشتری از بزه دیده نموده است.

به موجب ماده ۲۶۹ این قانون، «حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند.» منظور از تناسب مال با حرز آن نیست که حرز لزوماً «محل معمول» برای حفاظت از مال باشد، بلکه حرز باید به گونه ای باشد که عرف آن را برای محافظت از مال «کافی» بدانند، هر چند که شیوه «معمول» محافظت از مال نیز نباشد.^{۱۰}

بزه دیدگانی که خود یا اموالشان در معرض وقوع جرم هستند، باید نسبت به اتخاذ تدابیر متناسب جهت مراقبت و حفاظت لازم، اقدام نمایند. در معرض جرم بودن آماج ها، یکی از عواملی است که علاوه بر تحریک فرد به ارتکاب بزه و کاهش خطرات آن و ایجاد انگیزه برای مجرمان، موجب می شود. آنان بدون هیچ گونه مانعی به اهداف مجرمانه خود دست می یابند. حفاظت از آماجها موجب کاهش دستاوردهای مورد انتظار از جرم می شود و ارتکاب عمل مجرمانه را دشوار یا ممکن می سازد.^{۱۱}

۱۰. میر محمدصادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ سی و دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص. ۲۶۶-۲۶۵.

۱۱. میر خلیلی، سید محمود، بزه دیده شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۸۵، ص. ۷۲.



همچنین، در خصوص عدم غضب حرز و محل نگهداری مال از سارق در ماده ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است: «در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غضب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی شود.»

حرزی که از مالک آن غضب شده باشد، نسبت به او از حرمتی برخوردار نیست. بدین ترتیب، مالک در هر زمانی که بخواهد حق ورود به آن را دارد و نمی توان او را هاتک حرز و مشمول مجازات سرقت مستوجب حد دانست.

رابطه قبلی بزه دیده و بزهکار که از غضب حرز و محل نگهداری مال از بزهکار ناشی می شود، نشان دهنده رابطه تعارض آمیز آن دو می باشد. بنابراین، اگر حرز و محل نگهداری مال، متعلق به سارق نباشد، سرقت او مشمول مجازات حدی می شود.

از این رو، سرقت در صورتی مستوجب حد است که بزه دیده یک سلسله اصول را رعایت کرده باشد. برای مثال، اگر بزه دیده با تخطی از شرایطی که بیان شد مقدار هنگفتی پول را به صورت آشکار داخل خودروی خود قرار داده باشد و بدون بستن پنجره و درب، خودرو را رها کند، در وقوع عمل مجرمانه سهیم است و قانونگذار با تبدیل مجازات بزهکار طبق ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که سرقت را در صورت فقدان هر یک از شرایط، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری می داند، از او، حمایت کم تری می نماید.

۲- نظریات بزه دیده مدار جرم شناسی در خصوص جرم سرقت

در متون جرم شناسی دو موضوع را می توان از دیدگاه بزه دیده شناسانه در جرم سرقت بررسی نمود؛ تأثیر فعالیت روزانه بزه دیدگان در ارتکاب جرم سرقت و پیشگیری بزه دیده مدار از این جرم.

۲-۱- تأثیر فعالیت روزانه بزه دیدگان در ارتکاب جرم سرقت

کوهن^{۱۲} و فلسون^{۱۳} نظریه مذکور را در راستای تکمیل نظریه شیوه و سبک زندگی مطرح نمودند. این نظریه در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب سرقت را مساعد می کند و موقعیت و شرایط بزه دیده یا آماج جرم و یا آنچه که شرایط مشرف بر ارتکاب جرم می نامیم، تا چه اندازه در وقوع این جرم مؤثر است. براساس این نظریه، عمل مجرمانه ارتکاب یافته و بزه دیدگی در ارتباط با طبیعت و

12 . Cohen.

13 . Felson.



خصوصیات زندگی روزانه انسان است.^{۱۴} بزهکاری و بزه دیدگی با طبیعت و خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی، تعامل های اجتماعی او در ارتباط است و هم زمان با تغییر این تعامل ها و خصوصیات، نرخ جرایم نیز تغییر می کند. به عبارت دیگر، همان متغیرهایی که فرصت های بر خورداری از مزایای زندگی را افزایش می دهد، فرصت های ارتکاب جرم و از جمله سرقت را هم افزایش می دهد.

فعالیت های روزمره شامل هر فعالیت اجتماعی عادی ای است که برای برآوردن نیازهای اساسی زندگی صورت می گیرد. برخی از افراد بر اساس تفاوت هایشان در فعالیت های روزمره، بیش از دیگران به عنوان آماج مناسبی برای بزهکاران، آرمانی هستند و بر همین اساس برخی موقعیت ها، به دلیل نوع و میزان فعالیت اجتماعی برای وقوع جرم سرقت مناسب تر هستند.

اجتماع، انباشته از مجرمین برانگیخته ای است که آماده ارتکاب جرم هستند. از این رو، پایین بودن ایمنی و محافظت وسایل، اشیا و...، آماج های مناسبی را برای ارتکاب جرم سرقت توسط چنین مجرمین بالقوه ای فراهم می کند.^{۱۵} برای مثال طبق این نظریه، کالاهای رها شده و بدون محافظت، بیشتر در معرض سرقت قرار می گیرند. برخی از نویسندگان معتقدند: «نظریه فعالیت روزمره برای توضیح جرایم خشونت آمیز ارائه شده است، اما بعداً برای این که شامل سایر جرایم نیز بشود، گسترش داده شد...». همچنین، این نویسنده در نظریه یاد شده می نویسد: «از آنجاکه الگوهای زندگی روزمره، افراد را از خانه و خانواده دور می کنند، بزهکاران، اهدافی بدون محافظان کارآمد پیدا می کنند. از طرف دیگر، کاهش اجتماعات سنتی، کنترل های اجتماعی غیر رسمی را که باعث محافظت کارآمد از اموال می شوند، تضعیف می کند.»^{۱۶}

بر اساس نظریه کوهن و فلسون، با جمع شدن سه شرط، امکان ارتکاب جرم سرقت زیاد می شود. این سه عامل عبارتند از:

الف) حضور مرتکبین با انگیزه،^{۱۷} مانند افراد بیکار و ولگرد.

ب) وجود آماج یا افراد مناسب،^{۱۸} مانند خانه های بی حفاظ، اموال با ارزش و جذاب برای بزهکاران بالقوه.

۱۴. الستی، ساتاز و حسن پور، معصومه، بزه دیده شناسی و پیش گیری از بزه دیدگی، ماهنامه دادرسی، شماره پنجاه و ششم، سال دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۵، ص. ۲۶.

۱۵. گودرزی، محمد رضا، همان منبع، ص. ۳۳.

۱۶. پیز، کن، جایگاه پیشگیری نخستین از جرم در انگلستان، مترجم مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۸۳، ص. ۱۲۹.

17 . Motivated offender.

18 . Suitable target.



ج) نبود محافظ یا مدافع برای اهداف یا افراد یا آماج محافظت نشده، ۱۹ مانند عدم حضور اعضای خانواده در خانه، عدم نظارت پلیس و همسایگان و عدم نگهداری از اموال در مکان مناسب (نگهداری نکردن اموال در حرز یا نگهداری از آن در محل نامتناسب). از این رو، برای بوجود آمدن بزه دیدگی در جرم سرقت موارد زیر باید تحقق یابند: نخست آن که، بزهکار و بزه دیده باید موقعیت برخورد با یکدیگر در زمان و مکان را دارا باشند. دوم آن که، نوعی تنش یا ادعا میان آنان باید بوجود آمده باشد تا بر این اساس، بزهکار، بزه دیده را به چشم موضوعی مناسب برای بزه دیده واقع شدن بنگرد. سوم آن که، بزهکار باید تمایل و توانایی بکارگیری زور و تهدید برای دستیابی به هدف مورد نظر را داشته باشد. در نهایت آن که، شرایط باید طوری باشد که بزهکار، آن را موقعیت مناسبی برای استفاده یا تهدید به استفاده از زور در راه رسیدن به هدف، در نظر آورد.^{۲۰} بدین ترتیب، هنگامی که بزهکار بالقوه با انگیزه، شرایط را به دلیل عدم نگهداری از مال در حرز یا بودن آن در حرز نامتناسب و عدم کنترل و نظارت مالک برای سرقت فراهم ببیند، مرتکب سرقت می شود، که با اوصاف مزبور، مجازات وی همانطور که ذکر شد کاهش می یابد.

رهیافت جدیدی که سعی دارد با اتکا بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم یا بزه دیده، به تبیین پیشگیری از جرم پردازد، در فارسی تحت عنوان «پیشگیری وضعی از جرم» معرفی شده است.^{۲۱} در این نظریه، جرم در زندگی روزمره انسانها وجود دارد، اما آنچه که نیازمند توجه بیشتری است، این است که چه موقع جرم اتفاق می افتد و چگونه در زندگی روزمره ما جای می گیرد. از این دیدگاه، زمانی جرم سرقت به وقوع می پیوندد که شرایط سه گانه فوق الذکر مهیا باشد.

طبق این نظریه، تحولات اقتصادی و اجتماعی نقش چشم گیری در رشد نرخ بزه دیدگی در جرم سرقت داشته است. توسعه کار زنان و خالی ماندن خانه در ساعات زیادی از روز، سکونت مردم در شعاع دورتر از شهر، به دلیل گرانی مسکن در مرکز شهر، افزایش آماج های جرم در جوامع مصرفی و در نتیجه تمایل به ارتکاب جرم بیشتر در بزهکاران بالقوه، گسترش صنعت بیمه و در پی آن حفاظت کمتر مردم از اموال خود و ... از اسباب رشد نرخ بزه دیدگی در جرم سرقت است. از آنجاکه همزمان با این

19 . Farel, B and Philips, G. (1995), **Victimology**, British Journal of Criminology, Vol 35, NO 2, p.384.

20 . See: Hindelang, M.J., Gottfredson, M.R. and Garofalo, J. (1978), **Victims of Personal Crime: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization**. Cambridge, MA: Ballinger.

۲۱. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره سی و سوم و سی و چهارم، ۱۳۸۰، صص ۲۶۹-۲۶۸.



تحولات، وسایل حفاظتی مانند دزدگیر یا دوربین های کنترل کننده نیز گسترش یافته اند، لذا ارتکاب جرم دشوار شده است. بنابراین، اموالی بیشتر در معرض جرم قرار می گیرند که مالکان در نگهداری آنان احتیاط نکنند و امکانات حفاظتی لازم را به کار نبرند. پس، بزه دیده به دلیل عدم انجام اقدامات احتیاطی لازم، عامل مؤثری در سرقت اموال خویش می باشند. از این رو، این نظریه در پی تعیین سهم بزه دیده در ارتکاب جرم است و در بزه دیده شناسی نخستین که به نقش بزه دیده و مقصر دانستن او در ارتکاب جرم می پردازد، جای می گیرد.

بزهکاری نتیجه مشکلات اجتماعی یا سوء کارکردهای نهادهای اجتماعی نیست، بلکه در واقع نتیجه تضعیف کنترل اجتماعی می باشد، یعنی افراد در برخی فعالیتها و مشاغل مراقبت های لازم را انجام نمی دهند و در نتیجه به عنوان آماج مناسبی که از امکانات حفاظتی لازم برخوردار نیستند بزه دیده واقع می شوند. بنابراین احتمال بزه دیدگی در جرم سرقت، به رفتارهای بزه دیدگان بالقوه نیز مربوط می شود.

۲-۲. پیشگیری بزه دیده مدار از ارتکاب جرم سرقت

نگاه به بزه دیده نباید صرفاً به عنوان یک عنصر منفعل و پذیرنده بزه باشد، بلکه به عنوان کسی به او نگریسته می شود که خود او در پدید آمدن جرم دارای نقش است. پیشگیری وضعی با سابقه ترین و کهن ترین شکل پیشگیری از وقوع جرم است که رویکردی بزه دیده مدار دارد. اقداماتی نظیر کشیدن حصار و یا دیوار در اطراف محل سکونت، شاید قدمتی به اندازه حیات بشر داشته باشد.^{۲۲}

پیشگیری وضعی عبارت است از تغییر در موقعیت های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است به منظور دشوار کردن، پر خطر کردن یا جاذبه زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند.^{۲۳}

در رویکرد وضعی به پیشگیری، اعتقاد بر این است که «جرم قابل پیش بینی بوده و صرفنظر از این که مرتکب تحت تأثیر چه عاملی بوده، از طریق کاهش فرصت های ارتکاب و آماج های آن، با اعمال روش های فیزیکی (مادی) یا تغییر و کنترل موقعیت های مناسب برای ارتکاب جرم می توان وقوع آن را ممتنع و خنثی ساخت. بدین طریق از ورود به وادی پیچیده سلسله عوامل متعدد انسانی و اجتماعی جرم و تحلیل و برخورد با آنها احتراز گردد».^{۲۴}

۲۲. پاک نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، تهران: نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸، ص. ۲۴۱.

۲۳. گسن، ریمون، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره نوزدهم و بیستم، تهران، ۱۳۷۶، صص. ۶۲۸-۶۲۰.

۲۴. صفاری، علی، همان منبع، ص. ۲۸۳.



در فرآیند ارتکاب جرم سرقت، علاوه بر مجرم و خصوصیات فردی و اجتماعی او، بزه دیده نیز سهم مهمی در حرکت مجرم از مرحله اندیشه و قصد مجرمانه به سوی عمل مجرمانه دارد که بر همین اساس نیاز به بزه دیده شناسی را لازم و اجتناب ناپذیر می‌سازد. با پیشگیری از فرآیند بزه دیده واقع شدن گروه‌هایی که بالقوه استعداد بزه دیده شدن دارند و آسیب پذیر می‌باشند، می‌توان به طور غیر مستقیم مانع از تکوین جرم شد، در این حالت پیشگیری وضعی، وضعیت پیش از جرم را تحت کنترل خود در می‌آورد.

اقدام‌های وضعی پیشگیرنده ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال که در جرم شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند. بزه دیده یا آماج جرم جزو این وضعیت‌ها قلمداد می‌شود.^{۲۵}

بنابراین، در پیشگیری وضعی تمرکز عمده بر روی بزه دیده است تا بزهکار و با اتکا به آماج جرم، سعی در بالا بردن امنیت آماج جرم و سخت کردن دستیابی به آن و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم می‌شود. به همین جهت، شاید بتوان پیشگیری وضعی را از جمله راه‌های پیشگیری از بزه دیدگی بدانیم تا پیشگیری از بزهکاری. از این رو، پیشگیری وضعی از جرم سرقت با رویکرد بزه دیده مداری به طور غیر مستقیم بدنبال پیشگیری از ارتکاب جرم است.^{۲۶}

از آنجا که معمولاً بزه دیده به عنوان یکی از عناصر اساسی وضعیت ماقبل بزهکاری یک سلسله شرایط و امکانات راه، از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز، بی‌مبالاتی و ...، در اختیار بزهکار قرار می‌دهد، پیشگیری وضعی، هر فرد از اعضای جامعه را در قبال خطر مجرمانه مسئول می‌نماید که این رویکرد یادآور مسئولیت کارکردی^{۲۷} است.

شافر^{۲۸} مطالعات وسیعی در مورد مسئولیت کارکردی در سال ۱۹۶۸ انجام داد. او کنش‌ها و تعامل‌های میان بزهکار و بزه دیده را پیش از ارتکاب جرم، در جریان ارتکاب جرم و پس از آن مورد بررسی قرار داد. در نظریه مسئولیت کارکردی، آحاد جامعه دارای نقشی کارکردی در پیشگیری از گزینشی هستند که به خطا و تجاوز می‌انجامد و نقش بزه دیده پیشگیری از بزه دیدگی خود است. بر این اساس، شافر غفلت و نقش

۲۵. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی در مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰، صص. ۵۸۱ - ۵۸۰.

۲۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.

27. Functional Responsibility.

28. Shafer.



شتاب دهنده بزه دیده را در ارتکاب جرم مؤثر می دانست.^{۲۹} فلسون معتقد است: «نگهبان اصلی نیروهای پلیس نیستند، بلکه خود شهروندان هستند که در هر موقعیتی که قرار داشته باشند، در محل کار باشند یا در تعطیلات، بایستی مراقب اموال خود یا نزدیکانشان باشند؛ حتی اگر نگاهی گذرا به آنها بیندازند می تواند نقش مؤثری در جلوگیری از سرقت آنها داشته باشد».^{۳۰} بدین ترتیب، افراد جامعه باید اقدامات لازم و مراقبت را در جهت پیشگیری از بزه دیدگی خویش در جرم سرقت به عمل آورند.^{۳۱} از این رو، به همراه داشتن مقدار زیادی پول نقد، نگهداری اشیا و وسایل گران بها در منزل وضعیت پر خطر است و اجتناب از آن ضروری است.

از آنجا که در دسترس بودن آماج های جرم یکی از عواملی است که باعث تحریک بزهکار به ارتکاب بزه می شود، دستگاه عدالت کیفری می تواند، به جای حمایت از بزه دیده، از بزهکاری حمایت کند که اگر بزه دیده او را تحریک نمی کرد، چه بسا مرتکب جرمی نمی شد. این رویکرد می تواند به پیشگیری از جرم کمک کند زیرا، بزه دیده درمی یابد که اگر باعث تحریک بزهکار شود، از حمایت کیفری کم تری برخوردار خواهد شد. از این رو، طبق نظریه مسئولیت کارکردی، احتیاط بیش تری خواهد کرد تا از بزه دیدگی خود جلوگیری نماید.

از همین رو، جلوه های این نظریه در یکی از آراء دیوان عالی کشور را می توان بررسی نمود. در یکی از پرونده های مربوط به سرقت در تهران، آقای «الف» پس از ورود به پارکینگ از طریق در حیاط خلوت، مقداری طلا و سایر لوازم موجود در منزل خانم «ب» را سرقت می نماید. پس از دستگیری و انجام تحقیقات لازم، پرونده به دادگاه جزایی ارسال می شود. متهم در این خصوص بیان داشت در ورودی منزل قفل بود و از در پنجره پشت ساختمان وارد منزل شدم و مقداری طلا و سکه در میان کیسه ای پارچه ای بود که با خودم بردم. خانم «ب» به عنوان شاکی اظهار داشت طلاجات در میان کیسه ای داخل جامه دان بود. اکنون خاطر من نیست که در جامه دان قفل بود یا خیر. پس از صدور آراء متعارض در این خصوص در شعب دادگاه های جزایی تهران،

29 . Shafer, S. 1964 – 1968. The victim and criminal : A study in functional responsibility, (New York : Random House) , p.152.

۳۰ . به نقل از: کوسون، موریس، اصول جرم شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۲.

۳۱ . فقها نیز به ضرورت احتیاط در حفظ اموال و پیشگیری از ارتکاب جرایم علیه آنها تأکید کرده اند که نمونه آن، این جمله می باشد: «اسْتَرِ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذْهَبَكَ؛ مال با ارزش، آمد و رفت و مذهب و اعتقادات خود را با پنهان کردن حفظ کن.» فیض کاشانی، محسن، التحفه السنیه، نسخه خطی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ص. ۲۳۰.



پرونده جهت طرح در هیئت عمومی آراء اصراری به دیوان عالی کشور ارسال شد. شعبه یازدهم دیوان عالی کشور در رأی ۸۹/۶۵ بیان داشت: «چون طلا و سکه معمولاً در حرز متناسب نگهداری می شود و وجود مال مسروقه در کیسه ای داخل چمدان بدون قفل حرز محسوب نمی شود، بعلاوه متهم در یا پنجره را نشکسته یا قفلی را باز نکرده، لذا هتک حرز محرز نیست.»^{۳۲}

۳. نقش بزه دیده در تعیین کیفر جرم سرقت

نقش بزه دیدگان علاوه بر تأثیر در ارتکاب جرم سرقت، ممکن است در تعیین کیفر مرتکبان نیز تعیین کننده باشد. بدین صورت که در جرم سرقت مستوجب تعزیر (و جرایم مرتبط با آن «مندرج در مواد ۶۵۱ تا ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵») قانونگذار اختیار تخفیف مجازات را بر اساس مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به قاضی داده است. بدین صورت که دادگاه به صورت عینی و با ارزیابی هر پرونده از جمله سرقت و مطالعه برخی موارد از قبیل اوضاع و احوال ناظر بر آستانه ارتکاب جرم می تواند در میزان مجازات مرتکب جرم سرقت تخفیف دهد.^{۳۳} از دیدگاه بزه دیده شناسی می توان گفت که اگر بزه دیده در نگهداری و مراقبت از اموال خود احتیاط لازم را بعمل نیاورده باشد و یا به نوعی موجب تحریک مرتکب شده باشد، جرم ارتكابی می تواند مشمول بند پ ماده ۳۸ قانون فوق: «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده ...» قرار بگیرد. در این راستا، قاضی می تواند مجازات حبس تعیین شده در هریک از مواد مربوط به سرقت یا جرایم وابسته به آن را بر اساس بند الف ماده ۳۷ قانون مذکور به میزان ۱ تا ۳ درجه تقلیل دهد.

در سرقت مستوجب حد نیز، با توجه به عدم مراقبت کافی از مال و قرار ندادن آن در حرز متناسب و یا ...، کیفر حدی به تعزیری تبدیل می شود. البته در این میان قاضی نقش مهمی در تشخیص حدی یا تعزیری بودن سرقت دارد. به نحوی که توجه قاضی به مبانی بزه دیده شناختی می تواند در تلقی کردن سرقت مستوجب حد به عنوان سرقت تعزیری مؤثر باشد، زیرا در این صورت بسیاری از سازوکارهای مناسب به حال متهم مانند تخفیف کیفر و ... نیز قابل اعمال خواهد بود.

عدم یا تقلیل حمایت کیفری گذشته از آن که خود نوعی تنبیه و مجازات برای

۳۲. بازگیر، یدالله، آراء ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی، تهران: انتشارات دانش نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص. ۲۵۷ - ۲۵۹.

۳۳. آقایی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، تهران: جنگل جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص. ۲۷۰.



کوتاهی و بی احتیاطی بزه دیدگان محسوب می شود، سهم مؤثری در خود ایمن سازی آنان داشته و افراد را به پیشگیری از بزه دیدگی سوق می دهد.

پس از مطالعه جرم سرقت از دیدگاه بزه دیده شناسی نخستین، این سؤال مطرح می شود که آیا با وجود امکان نقش مؤثر بزه دیده در ارتکاب جرم سرقت، ایجاد تغییرات در مجازات بزهکار کافی است؟ آیا چنین بزه دیده ای باید از هرگونه تأدیب و مجازاتی در امان باشد؟

هر چند در قانون مجازات اسلامی چنین ساز و کاری پیش بینی نشده، اما ممکن است گفته شود که می توان از نهاد معاونت در جرم استفاده نمود. طبق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معاونت می تواند از طریق ترغیب، تحریک، تسهیل و ... محقق شود. بنابراین، از یک طرف، تحریک، ترغیب و تسهیل ارتکاب جرم از مصادیق معاونت است، اما از طرف دیگر، با توجه به تبصره ماده مذکور که وحدت قصد را بین رفتار معاون و مرتکب جرم ضروری می داند، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر به نفع متهم نمی توان حکم به مجازات بزه دیده داد.



نتیجه گیری

با ملاحظه احکام مقرر در سرقت حدی می توان گفت که اسلام در تدوین و تشریح قوانین، به بزه دیده به نحو ظریفی توجه داشته و در عین این که از قاطعیت بالایی برخوردار است، اصولی را در نظر گرفته است که از یک طرف، بزهکار در ارتکاب بزه تحریک نشده باشد. از طرف دیگر، رابطه بزهکار و بزه دیده نیز در تحقق جرم سرقت حدی مورد توجه قرار گرفته شده است. بنابراین، می توان گفت از آنجا که در سیاست جنایی اسلام در جرایم علیه اموال از قبیل سرقت، به نقش بزه دیده توجه شده است، لذا در بعضی از مواقع سرقت حدی با توجه به مبانی بزه دیده شناسی نخستین، به سرقت تعزیری تبدیل می شود.

بدین صورت که اگر افراد از اموال خود به درستی محافظت نمایند و این موضوع نقش مؤثری در ارتکاب جرم سرقت داشته باشد، قانونگذار ضمانت اجرای جرم را تغییر داده و سرقت مستوجب حد را به سرقت تعزیری تنزل می دهد و از فردی که اموال خود را در حرز متناسب قرار نداده و بزه دیده جرم سرقت قرار گرفته، به دلیل این کوتاهی، حمایت کیفری کمتری به عمل می آورد. زیرا عدم رعایت شرط حرز در حقیقت حاکی از نوعی تقصیر برای مالک در تحقق جرم سرقت می باشد.

با این حال، از آنجا که از یک طرف، ادبیات بزه دیده شناسی در کشور ما سابقه چندانی ندارد و از طرف دیگر، پذیرش و کاربرد این دانش در تخفیف مجازات های ثابت، مانند حدود و از جمله سرقت مستوجب حد، با موانع جدی روبرو است، نمی توان انتظار داشت که آموزه های بزه دیده شناسی به شکل جدی در قانون و رویه قضایی منعکس شود. اما استفاده از ظرفیت های موجود مانند تبدیل عنوان حد به تعزیر یا استفاده از کیفیات مخففه قضایی می تواند تا اندازه ای این دانش را از حالت تئوریک به عملی تبدیل نماید.



فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام، **جرم شناسی پیشگیری**، جلد اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۲. آقایی جنت مکان، حسین، **حقوق کیفری عمومی**، تهران: جنگل جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۳. بازگیر، یدالله، **آراء ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی**، تهران: انتشارات دانش نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴. پاک نهاد، امیر، **سیاست جنایی ریسک مدار**، تهران: نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸.
۵. پیز، کن، **جایگاه پیشگیری نخستین از جرم در انگلستان**، مترجم مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۸۳.
۶. رمضان نرگسی، رضا، **تجاوز و بزه دیدگی زنان**، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۸۳.
۷. رهامی، محسن، **عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران**، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: چاپ چهارم، پاییز ۱۳۹۰.
۸. الستی، ساناز و حسن پور، **معصومه، بزه دیده شناسی و پیش گیری از بزه دیدگی**، ماهنامه دادرسی، شماره پنجاه و ششم، سال دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۵.
۹. سلیمی، علی و داوری، محمد، **جامعه شناسی کجروی**، انتشارات پژوهشکده و دانشگاه، قم: چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.
۱۰. شاهیده، فرهاد، **رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران**، مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۱۱. صفاری، علی، **مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره سی و سوم-۳۴، ۱۳۸۰.
۱۲. فیض کاشانی، محسن، **التحفة السنیه**، نسخه خطی، انتشارات آستان قدس



رضوی، ۱۴۰۱ ه.ق.

۱۳. کوسون، موریس، **اصول جرم شناسی**، ترجمه میر روح الله صدیق، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۴. گسن، ریمون، **روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره نوزدهم و بیستم، ۱۳۷۶.

۱۵. گودرزی، محمد رضا، **بزه دیده شناسی**، پیدایش، تحول دیدگاه های نوین، نشریه امنیت، هفدهم و هجدهم، ۱۳۷۹.

۱۶. میر خلیلی، سید محمود، **بزه دیده شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام**، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۸۵.

۱۷. میر محمدصادقی، حسین، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران: نشر میزان، چاپ سی و دوم، تابستان ۱۳۹۰.

۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **(میزگرد عدالت برای بزه دیدگان)**، مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و سوم و پنجاه و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **پیشگیری عادلانه از جرم**، علوم جنایی در مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **تقریرات درس جرم شناسی: بزه دیده شناسی علت شناختی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶.

21. Farel, B and Philips, G. (1995), *Victimology*, British Journal of Criminology, Vol 35, NO 2.

22. Hindelang, M.J., Gottfredson, M.R. and Garofalo, J. (1978), *Victims of Personal Crime: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization*. Cambridge, MA: Ballinger.

23. Shafer, S. (1964-1968), *The victim and criminal : A study in functional responsibility*, (New York: Random House).

